

بهنام موحدان(پندار)؛ بحث هنر بسیار فراتر از یک تئاتر و نقاشی است و شناخت و گرامی‌داشت مقام یک هنرمند در حقیقت شناخت ذات حقیقی یک ملت در آینه تاریخ و گذشته سرزمین خویش است. تا آنجا که بنیاد سلامت و آگاهی و هوشیاری و معرفت یک ملت نشان از پیشینه فرهنگی و غنای هنری آن سرزمین دارد.
دراین‌میان ملت ایران مفتخر است که صاحب تاریخی کهن و گنجینه‌ای بی‌نظیر از غنی‌ترین میراث فرهنگی و هنری جهان است. این میراث گران‌سنگ حاصل اندیشه، نبوغ و هنر هنرمندانی است که تمام زندگی، جوانی و سلامتی خود را بی‌دریغ وقف بنیادگذاری و آفرینش این فرهنگ و هنر عظیم کردند تا امروز سنت افتخار و آبروی ملی ما باشد. حسن ناهید، از جمله این هنرمندان است. با او گفت‌وگویی داشتیم که درادامه مشروح آن را می‌خوانید.

۴۰ شما پس از ۶۰ سال نوازندگی و آموزگاری و حضوری مؤثر در تاریخ موسیقی ایرانی و نی‌نوازی معاصر کشور، حالا در آستانه ۷۴ سالگی به چه چیزهایی دست یافته‌اید؟ آیا به آن چیزی که به عنوان رسالت فرهنگی، تاریخی و انسانی خود برگزیده بودید، رسیده‌اید؟

آن زمان که من ساز نی را انتخاب کردم، نوازنده جدی و صاحب سبک دیگری جز استاد حسن کسایی وجود نداشت و نی تقریباً سازی ناشناخته و گمنام بود. اما امروز در ۵۰ سال اخیر شاهد هستیم هزاران نوازنده، ساز نی را به عنوان ساز تخصصی و ساز اول خود چه در دانشگاه‌ها و چه در هنرستان و دیگر مراکز آموزشی انتخاب کرده و به نوازندگی و فراگیری تکنیک‌های آن می‌پردازند. حمل بر خودستایی نباشد؛ اما برای تحقق این مهم سال‌ها رنج و زحمت کشیدم و از خواسته‌های شخصی خود گذشتم، از این جهت از کارنامه گذشته خود راضی هستم و احساس می‌کنم آن وظیفه‌ای که به عنوان یک موسیقی‌دان و نوازنده و یک معلم موسیقی بر عهده خودم داشتم را به‌درستی انجام دادم، حال می‌ماند قضاوت دیگران که در آینده درباره من چطور داوری می‌کنند و دراین‌میان زمان خود قاضی عادل و روشنگری است.

۴۱ آیا کار دیگری باقی مانده که انجام نداده باشید؟

نه، فقط تنها کار مهمی که دارم؛ ضبط ردیف‌های موسیقی و برخی آثار استاد فرامرز پایور از جمله پیش‌درآمد رنگ ایشان است که قطعات بسیار مشکلی است که اگر نوازنده خوب نی پیدا شود که بتواند از پس این کار بر بیاید، آخرین خواسته من در زندگی نیز محقق خواهد شد. البته یکی از شاگردان بسیار خوبم، آقای بیگلری که فوق‌لیسانس موسیقی هستند را تشویق به انجام این مهم کردم که ایشان در حال حاضر مشغول ضبط اثر هستند و زحمات بسیاری را کشیدند.

۴۲ ساز نی قبل از انقلاب سازی ناشناخته بود، نه در ارکسترها جایگاهی داشت و نه حتی نوازنده‌ای که به‌صورت حرفه‌ای به نی‌نوازی بپردازد، وجود داشت و فقط روان‌شاد حسن کسایی به عنوان استاد برجسته نی شناخته می‌شدند که برای نخستین‌بار ایشان اقدام به نگارش ردیف‌هایی برای ساز نی کردند که البته این ردیف‌ها آوازی بود نه سازی، اما باین‌حال باز هم نی همچنان گمنام و ناشناخته ماند، تا اینکه شما در سال ۱۳۴۰ به تهران آمدید و برای نخستین‌بار ساز نی را به‌طور حرفه‌ای وارد ارکستر کردید و نیز تدریس آن را به‌طور رسمی در هنرستان عالی موسیقی برعهده گرفتید. دراین‌باره توضیح می‌فرمایید.

بعد از آنکه من در سال ۱۳۴۰ به تهران آمدم و به عنوان مدرس وارد هنرستان عالی موسیقی شدم، در کنار نوازندگی در ارکسترهای مختلف از جمله ارکستر اداره فرهنگ و هنر، ارکستر استاد پایور، ارکستر استاد ختانه، ارکستر آقای مفتاح و دیگر گروه‌ها و ارکسترهای موسیقی، به طور رسمی نخستین شخصی بودم که تدریس ساز نی و آموزش و تربیت هنرجویان و شاگردان را در سطح عالی موسیقی آغاز کردم. آن زمان ساز نی به عنوان ساز دوم در هنرستان انتخاب می‌شد و کم‌ترکسی نسبت به ساختار و صدای آن آشنایی و آگاهی داشت. در میان مردم هم تمرکسی ساز نی را دیده و شناخت درستی از آن نداشتند. بنابراین من به‌طور جدی بر آن شدم جایگاه این ساز را در موسیقی ارکسترال، در آموزش عالی و نیز در جامعه آن روز تثبیت کنم. بنابراین برای نخستین‌بار در ارکسترهای ایرانی به عنوان نوازنده نی حضور یافته و به سلونوازی با ساز نی پرداختم و با اجراهای گوناگون با ارکسترهای مختلف در رادیو و تلویزیون ملی ایران و جشن هنر و کنسرت‌های داخلی و بین‌المللی دیگر، ساز نی و قابلیت‌هایش را برای همکان به تصویر کشیدم و این آغازی شد بر حضور رسمی ساز نی در ارکسترهای موسیقی تا به امروز، استاد حسن کسایی اعتقاد داشتند موسیقی سازی ما به دلیل تخریمی که همواره در طول تاریخ با آن مواجه بوده، کمتر از موسیقی آوازی ما رشد کرده است، بنابراین تأکید بیشتری بر اجرای نی به شکل ردیف آوازی داشتند و آن ردیف را نیز به همین صورت ضبط کرده بودند که با سه‌تار آنها را تشریح کردند. درواقع تغییر درست آن است که استاد کسایی در این ردیف‌ها با نی، آواز می‌نواختند. استاد کسایی در این اثر خود برای نخستین‌بار مجموعه آموزشی مدون و منسجمی را برای نوازندگان نی ارائه کردند. این اثر از نظر عمق و معنی و بعد عرفانی کار بی‌نظیری است.

۴۳ استاد، شما در طول شش دهه فعالیت مستمر هنری خود با ارکسترهای برجسته ایرانی از جمله ارکستر فرامرز پایور، ارکستر سازهای ملی به سرپرستی استاد ختانه، ارکستر آقای مفتاح، ارکستر آقای فرهنگ شریف در رادیو و تلویزیون به‌ویژه برنامه «گلها» و ارکستر پرویز مشکاتیان فعالیت‌های طولانی‌مدت و مستمری داشتید. این ارکسترها چه تفاوت‌هایی با یکدیگر داشتند؟

ببینید هر کدام از این استادان جزء نامداران و بزرگان موسیقی ملی ایران هستند که دوران هنری هر کدامشان در حقیقت جزء تاریخ‌سازترین جریان‌های موسیقایی کشور بود. هر کدام از این بزرگان دارای شاخصه‌های هنری و اخلاقی و انسانی منحصر به خود بودند که برای من ارزشمند و تعیین‌کننده بود. سبک نوازندگی و آهنگ‌سازی هر کدام از این استادان با یکدیگر متفاوت بود، نمی‌توان در چند جمله ظرافت‌ها و خصوصیات هنری هر کدام را تفکیک و توصیف کرد. این بزرگان با بیش، ذوق و نبوغ موسیقایی و تفکر خاص خود جزء اصلی‌ترین و مؤثرترین شکل‌دهنده‌های شخصیت و هویت موسیقی ایرانی هستند. قضاوت و نقد آثار این بزرگان بر عهده من نیست، این مهم بر دوش نسل شما و آیندگان است تا با مکاشفه و تفکر در سیر هنری و فرهنگی زندگی این موسیقی‌دانان به شناختی درست و نتیجه‌گیری مشخصی از جایگاه و نقش ایشان دست پیدا کنبد و آن را در زندگی و راهی که در فرهنگ و هنر ایران در پیش گرفتید، به کار بگیرید. **۴۴** درباره آهنگ‌سازی فرامرز پایور، مرتضی ختانه، همایون خرم و حسین دهلوی چه دیدگاهی دارید؟

من با استاد پایور چیزی حدود ۵۰ سال دوست، همکار و هم‌نواز بودم. در سال ۱۳۴۱ خورشیدی در خیابان پایلیز تهران (شهید قندی کنونی) با استاد پایور همسایه بودم و از آن زمان تا لحظه درگذشت ایشان در سال ۱۳۸۸ حدود نیم قرن با وی دوستی صمیمانه و همکاری تکتانگت داشتم. ایشان من کردن موسیقی ایرانی خیلی حق دارند. او اولین موسیقی‌دان و نوازنده سنتوری است که آهنگ‌سازی با این ساز را به روش علمی در

گفت‌وگو با حسن ناهید:

به خاطر «نی» از خود گذشتم



حسن ناهید

فرم‌های مختلف موسیقی ایرانی انجام داد و اجرای قطعات ضربی را از محدوده بداهه‌نوازی‌های کوتاه در این فرم‌ها جدا کرد. وی نخستین استاد و مدرس سنتوری است که کوک‌های متنوع جدیدی برای آموزش سنتور ارائه داد و حداکثر استفاده از توانایی و وسعت ساز و حرکات مستقل مضارب‌های دو دست را معمول کرد؛ به عنوان مثال ر بمل در یوزیسیون دوم اصفهان چپ کوک، ر بکار در خرک اول سیم‌های زرد، نت سل در یوزیسیون چهارم، م‌اهور و بیات ترک چپ کوک و بسیاری دیگر از جمله دستاوردهای علمی ایشان در ارائه شیوه‌های متفاوت سنتورنوازی معاصر است. بیش از صدها اثر درجه‌یک برای سنتور و ارکسترهای سازهای ملی ساختند و تنظیم کردند. آثاری که چه از نظر ارزش‌های ملودیک و چه از نظر محتوا و سطح تکنیک و مهارت نوازندگی والا و درجه‌یک و بی‌ظیرند. مثل؛ چهارمضارب دشتی (چپ کوک)، رنگ سه‌گاه (راست کوک) و پیش‌درآمد اصفهان (راست کوک) یا مجموعه آثار موسیقایی قدیمی ما از جمله آثار درویش‌خان، رکن‌الدین‌خان مختاری و امیرجاهد و چند نفر دیگر از قدمای ما را برای ارکسترهای مختلف متشکل از سازهای ایرانی تنظیم کردند که واقعاً کاری بزرگ و سازنده بود که تا به امروز کسی دانش و همت انجام مجدد این کار را نداشته است. دهه‌ها شاگرد ممتاز و برجسته آموزش و پرورش دادند.

چندین کتاب ارزشمند از جمله [دستور سنتور] نوشتند که تا به امروز سنگ‌بنای نخست آموزش سنتورنوازی در ایران بوده و همه مدرسان سنتور با هر سلیقه و شیوه‌ای ابتدا کتاب دستور سنتور استاد فرامرز پایور را با هنرجویان و دانشجویان خویش کار می‌کنند. ردیف‌های استاد خورشید، ابوالحسن‌خان صبا و دیگران قدمای بزرگ موسیقی ایرانی را با دقت و حساسیت تمام و فقط از روی احساس مسئولیت و عشق به هنر ایرانی جمع‌آوری کرد و به نگارش درآورد که هنوز هیچ‌کس نتوانسته در این سطح چنین کارهای بزرگ و مهمی انجام دهد. به‌جرت می‌توانم بگویم مکتب هنری استاد فرامرز پایور، کامل‌ترین و مدون‌ترین مکتب آموزشی و هنری در طول تاریخ موسیقی اصیل ایرانی است. اما در رابطه با استاد حسین دهلوی؛ سال ۱۳۳۹ خورشیدی که به تهران آمدم با آقای مهدی کمالیان، سازنده و نوازنده برجسته سه‌تار، آشنا شدم و ایشان مرا به استادان سعید هرمزی و نورعلی‌خان برومند و حسین دهلوی معرفی کردند و از این طریق از کلاس درس این بزرگان بهره‌مند شدم. آقای دهلوی به من فرمودند اگر قول بدهی موسیقی را جدی بگیری و با دقت و منضبط به فراگیری آن بپردازی، چون جوان باشوق و استعدادی هستی آموزش تو را می‌پذیرم. بنابراین یک هفته در میان روزهای پنجشنبه نزد ایشان مانای موسیقی و نت را فرا می‌گرفتم. ایشان در هر جلسه تمرین از من می‌خواستند هر نت

فقط تنها کار مهمی که دارم؛ ضبط ردیف‌های موسیقی و برخی آثار استاد فرامرز پایور از جمله پیش‌درآمد رنگ ایشان است که قطعات بسیار مشکلی است که اگر نوازنده خوب نی پیدا شود که بتواند از پس این کار بر بیاید. آخرین خواسته من در زندگی نیز محقق خواهد شد

را صد بار یک پرده پایین‌تر و نیم‌پرده بالاتر بنویسم و بخوانم. بعد از حدود دو ماه ایشان مرا به ارکستر فارابی که رهبری آن را روان‌شاد نصرت‌الله گلیلجانی عهده‌دار بود معرفی کردند و من شدم سولیست و تک‌نواز ساز نی در ارکستر اداره فرهنگ و هنر آن زمان. البته من در ارکسترهای آقای دهلوی شرکت نداشتم. اما در سال اول جشن هنر در ارکستری متشکل از آقای پایور و آقای رحمت‌الله دببعی و آقای هوشنگ ظریف و چند نوازنده دیگر به خوانندگی مرحوم محمود کریمی و به سرپرستی ایشان، قطعات نوا و راست پنجگاه را اجرا کردم. این تنها همکاری که با استاد دهلوی بود. آقای دهلوی آهنگ‌ساز بزرگ و مدیری توانا و متخصص در امر هم موسیقی ایرانی و هم موسیقی جهانی هستند. ایشان استاد همه استادان موسیقی دوران ما هستند. درباره آقایان ختانه و خرم هم همین شاخصه‌ها وجود دارد. من در تمام سال‌ها و دوره‌هایی که با این بزرگان کار کردم، جملگی اشخاصی هنرمند، باذوق و دارای دانش و نبوغ بی‌نظیر و برآمده از ارزش‌های فرهنگی و اصالت ناب موسیقی ایرانی بودند.

۴۵ کمی درباره روان‌شاد مرتضی ختانه و دوران همکاری خود با ایشان توضیح بفرمایید.

من از سال ۱۳۴۸ خورشیدی به عنوان تک‌نواز نی ارکستر سازهای ملی تلویزیون که آن زمان رهبری آن برعهده آقای ختانه بود به مدت تقریباً ۱۰ سال تا زمانی که انقلاب شد، با ایشان فعالیت داشتم. در این ارکستر من با زنده‌یا استاد فرهنگ شریف، مرحوم زرین‌پنجه، مرحوم عباس زندی، خانم پروین صالح که ویلن آلتو می‌نواختند به همراه خیلی از نوازندگان نامدار دیگر هم‌نواز بودم.

آقای ختانه موسیقی‌دانی بسیار برجسته، باذوق و هنرمندی خلاق و آهنگ‌سازی ارجمند بود.

۴۶ از نظر شما، روان‌شاد پرویز مشکاتیان چه جایگاهی در موسیقی ایرانی دارد؟

آقای مشکاتیان، نوازنده‌ای بسیار قوی و آهنگ‌سازی باذوق بود. جایگاه

موسیقی

روی خط سل

مستند «اسکورپیو» منتشرشد

موسیقی ما؛ «اسکورپیو»، فیلمی مستند درباره گروه موسیقی «اسکورپیو» و جریان شکل‌گیری موسیقی راک در ایران دهه ۵۰ است که به کارگردانی و تهیه‌کنندگی فریده صارمی و امید هاشملو تهیه و تولید شده که از سوی مؤسسه آواخورشید در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

«اسکورپیو» یکی از محبوب‌ترین گروه‌های راک دهه ۵۰ بود که بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ در ایران فعالیت می‌کردند. این مستند که برپایه مصاحبه با سه عضو اصلی این گروه؛ یعنی بهرام امین‌سلماسی، بهرام سعیدی و عین‌الله کیوان‌شکوه شکل گرفته، به تشریح اوضاع عمومی فرهنگ موسیقایی ایران در سال‌های آغاز دهه ۱۳۴۰، چگونگی ورود موسیقی راک به ایران و بالاگرفتن تب بیتل‌ها و نحوه شکل‌گیری گروه‌های مختلف راک می‌پردازد که همگی برپایه مستندات آرشیوی شامل روزنامه‌ها، مجله‌ها، عکس‌ها

و پوسترهای قدیمی، قطعات موسیقی اجراشده و فیلم‌های خبری و مستند است.

بابک چمن‌آرا (مدیر مؤسسه آواخورشید و فروشگاه بتهوون) که علاوه بر انتشار این مستند، در کنار افرادی چون بابک ریاحی‌پور، رامین بهنیا، کوروش یغمایی و… مشاوره‌هایی برای تهیه و تولید این اثر داده، درباره مستند «اسکورپیو» به «موسیقی ما» می‌گوید: «این

مستند که بسیار هم خوش‌ساخت است، در حقیقت یک پروژه دانشجویی بود و این دو کارگردان در ابتدا می‌خواستند روی بخش کوچکی از موسیقی کار کنند، اما در این راه، آن‌قدر اطلاعات و تصویرهایشان زیاد شد و تصمیم به کنکاش بیشتر گرفتند که تبدیل به یک پروژه بزرگ شد. درست است که این مستند حول گروه راک‌ی است که در دهه ۵۰، چهار، پنج سال فعال بوده، اما در حقیقت موسیقی راک را از اواخر دهه ۴۰ تا انقلاب بررسی می‌کند. در این مستند تنها به صحبت‌های اعضای گروه اسکورپیو اکتا نشده و برای هر یک از آنها از مستداتی چون بریده روزنامه‌ها یا آرشیو دانشگاه استفاده کرده‌اند.»

در خلاصه داستان این مستند آمده:

«سال ۱۳۵۰ سه نوازنده جوان گرد هم آمدند تا آهنگ‌های پرشور راک و لاتین را برای علاقمندان موسیقی روز دنیا اجرا کنند. بهرام امین‌سلماسی (گیترایس)، عین‌الله کیوان‌شکوه (درامز) و بهرام سعیدی (کیتار) به‌همراه ارک آکونت (پرکاشن) و آندرانیک آسآطوریان (پیانو) گروه اسکورپیو را تشکیل دادند. مهارت این گروه در بازی‌نوازی آثار پیشگامان موسیقی راک مورد توجه بسیاری قرار گرفت و طولی نکشید که در باشگاه‌های شبانه و سالن‌های نمایش، هواداران زیادی پیدا کرد. ۴۰ سال بعد، خاطرات گروه اسکورپیو، روند شکل‌گیری جریان موسیقی راک در ایران را بازگو می‌کند.»
مستند «اسکورپیو» به کارگردانی فریده صارمی و امید هاشملو با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد، از سوی نشر «آواخورشید» در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته که می‌توانید آن را از فروشگاه‌های فرهنگی–هنری و همچنین فروشگاه بتهوون تهیه کنید.

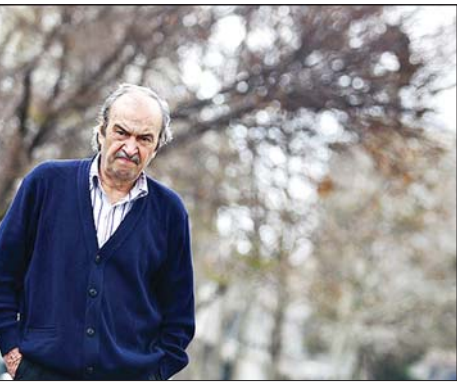


نگاه

وقتی که نی گل می‌دهد

فرهنگ و هنر چیست؟ خون‌بهای رسالت تاریخی و تعهد ملی هنرمندانی است که زیستن عاشقانه و مسئولانه را آرمان خود می‌پندارند. هنرمندان در هر کجای جهان که زاده شده باشند، گوشه‌ای از تاریخ بشری را به نام خود می‌کنند و آن را سند هویت و شناسنامه ملی ملت و سرزمین خود قرار می‌دهند و از این طریق به وجود آدمی اعتبار و جنبه اخلاقی می‌بخشند. هنرمندان با آثار هنری خویش آفریننده فرهنگ‌ها هستند و به اعتبار یگانگی همین بین‌المللی می‌شوند. فرهنگ، بنیاد سلامت یک جامعه و هنر آینه اصالت و روح انسانی آن است. بدون فرهنگ و هنر، جامعه از هم می‌پاشد. هنرمندان ستون‌های حیات جوامع بشری هستند و فرهنگ و سنت‌های کهن هر سرزمین، میراث تاریخی ایشان، از این رهگذر سرزمین ایران کهن‌ترین گنجینه فرهنگ و هنر تاریخ بشری را داراست. حسن ناهید یکی از این هنرمندان است. حسن ناهید متعلق به روزگاری است که موسیقی در آن مقوله‌ای مصرفی و روزمره نبود که در مسیر ابتذال ابزاری شود برای سوءاستفاده از احساسات و روحيات ابتاء بشر، بلکه هویت ملی-انسانی و تعالی‌بخش جامعه و روح آدمی بود. وی در دوره‌ای از تاریخ اجتماعی ایران دیده به جهان گشود که جامعه ایرانی در گذر از سنت به مدرنیته بود و دراین‌میان موسیقی ایرانی نیز متأثر از تغییرات تحولات وسیع اجتماعی در حال برون‌رفت از حصار حاکمان رو به سمت اجتماعی‌ترشدن یا در حقیقت مردمی‌ترشدن بود. تا قبل از استاد حسن ناهید، نی سازی بود که یا در غزل‌های مولانا نامش به نمانای خواننده می‌شد یا نوای سوزناکش در عمق افسانه‌های کهن حماسی ادبیات ایران شنیده می‌شد، اما در میان جامعه ایرانی ناشناخته بود.

دهه ۴۰ خورشیدی هم برای موسیقی ملی ایران و هم برای حسن ناهید جوان و نی‌نوازی معاصر کشور دوره‌ای مهم و تعیین‌کننده بود. موسیقی ملی ایران در این دوره با هدایت و مدیریت استاد حسین دهلوی یک دهه طلایی و باشکوه را سپری کرد. به‌طوری‌که بعدها این دوران به عنوان عصر طلایی موسیقی ایران و نسل موسیقی‌دانانی که در مکتب هنری و علمی و اخلاقی استاد دهلوی در هنرستان عالی موسیقی تربیت و پرورش یافتند، به طایله‌داران موسیقی ملی ایران شهرت یافته و قوام و تداوم موسیقی ایرانی را بنیادگذاری کردند و حسن ناهید یکی از همین طایله‌داران موسیقی ایرانی است. اما برای استاد حسن ناهید و نی‌نوازی معاصر کشور این دهه از چهار جهت حائز اهمیت بود؛ نخست در سال ۱۳۳۹ آشنایی وی با استاد حسین دهلوی و چند نفر از دیگر استادان نامدار آن زمان همچون نور علی‌خان برومند، سعید هرمزی و سیدمهدی کمالیان و بهره‌گیری از مکتب علمی و هنری و اخلاقی ایشان سپس با تأیید و حمایت استاد حسین دهلوی به عنوان نخستین مدرس ساز نی در هنرستان عالی موسیقی به استخدام اداره فرهنگ و هنر در آمد و رسماً در مقام استادی به معرفی و شناساندن قابلیت‌ها و گستره موسیقایی ساز نی و پرورش شاگردان و دانشجویان موسیقی پرداخته و شیوه‌های نوّبی را در تدریس و نی‌نوازی معاصر پایه‌گذاری کرد. این در حالی است که آن



زمان ساز نی به عنوان ساز دوم نیز انتخاب نمی‌شد و مقبولیتی بین دانشجویان موسیقی نداشت. اما به لطف نبوغ موسیقایی و تلاش مستمر استاد حسن ناهید، ساز نی جایگاه حقیقی خود را در سطح اول آموزش عالی فرهنگ و هنر کشور شناخت. وی در این سال ازسوی استاد حسین دهلوی به روان‌شاد آقای نصرت‌الله گلپایگانی، سرپرست و رهبر ارکستر رودکی اداره فرهنگ و هنر، معرفی شد بنابراین برای نخستین‌بار استاد حسن ناهید ساز نی را وارد موسیقی ارکسترال ایرانی کرد و به مدت بیش از ۲۰ سال سولیست و تک‌نواز نی ارکسترهای متعدد موسیقی ایرانی بود.

دوم آشنایی با فرامرز پایور، استاد بزرگ سنتور و موسیقی‌دان بزرگ ملی ایران، که نقطه عطفی در زندگی حسن ناهید جوان بود. در این زمان استاد فرامرز پایور وی را به عنوان سولیست و تک‌نواز نی گروه ارکستر خویش برگزید و این سرآغازی شد بر ۵۰ سال دوستی با استاد فرامرز پایور و آفرینش هنری در ارکستر موسیقی ایشان به همراه دیگر هنرمندان سرشناس موسیقی از جمله هوشنگ ظریف، محمد اسماعیلی، رحمت‌الله دببعی، پروین صالح که از پرباترین دوره‌های هنری هنرمندان موسیقی کشور در موسیقی ارکسترال ایرانی است. مردم ایران برای نخستین‌بار ساز نی را بد دستان ذوالقدر استاد ناهید و در ارکستر موسیقی استاد پایور از تلویزیون ملی ایران مشاهده کردند.

سوم، آشنایی با هنرمند ارجمند کشور عبدالوهاب شهیدی، خواننده نامدار موسیقی ایرانی و نوازنده برجسته عود و از پایه‌گذاران اصلی رادیو گلها بود که این آشنایی نقطه عطف دیگری در زندگی استاد حسن ناهید و سراقازی شد بر دوستی ۵۰ساله با استاد شهیدی و ورود وی به جرگه نوازندگان برنامه محبوب رادیو گلها به دعوت استاد شهیدی و همکاری و هم‌نوازی در بیش از صد برنامه رادیویی با استاد شهیدی.

چهارم، هدف‌گذاری و آگاهی از رسالت فرهنگی و تاریخی و انسانی خویش و آغاز رسمی فعالیت‌ها و هنرآفرینی ایشان در ارکسترهای موسیقی ایرانی و نی‌نوازی معاصر ایران که در نهایت امروز با دانش و نبوغ و تلاش‌های مستمر استاد حسن ناهید و هموت کم‌گشته تاریخی خود را بازشناخت و به جایگاه حقیقی خویش در موسیقی ملی ایران دست یافت.

حسن ناهید با داشتن چنین پشتوانه علمی و فرهنگی و هنری کم‌نظیر و کارنامه‌ای درخشان در موسیقی ملی ایران یکی از معدود جریان‌سازان هنری در تاریخ موسیقی ایرانی و نی‌نوازی معاصر کشور است. او به‌حق شناسنامه ای ایران‌زمین و میراث‌دار یگانه روان‌شاد استاد حسن کسایی است.